

مراسم قاشق زنی رفرمیزم، پشت درب «ای-ال-او»

اخیرا عده ای دلسوز! سوز دل خود را از طریق جمع آوری امضاء برای ارائه به سازمان جهانی کار (آی-ال-او) مرحم میزنند. هدف کدخدایانی که به نمایندگی از طرف کارگران ایران به جمع آوری امضاء پرداخته اند، قبل از آنکه خود موضوع ظلمی که به کارگران ایران وارد می شود باشد، نمایاندن نمایندگی خود است. متأسفانه عده ای آگاهانه یا ناآگاهانه در این بازی شرکت می کنند. بازی که برنده نهایی آن همان آی-ال-او و سپس کدخدایانی است که کفش کج آی-ال-او را جفت می کنند.

زمانی که طبقه کارگرایران متحمل ستمی مشابه آنچه که اکنون بر آن اعمال میشود بود، اما در پوسته تدافعی قرار داشت، صحبتی از قضاوت انوشیروانان دادگر آی-ال-او در میان نبود. اینک که این طبقه میرود که پوسته تدافعی خود را شکسته تا وارد مرحله تعرضی گردد، ناگهان سرو کله قاضی القضاات جهانی کار پیدا شده و میخواهد به مشکل طبقه کارگر ایران بپردازد.

شکی نیست سازمان جهانی کار یک نهاد سرمایه جهانیست که وظیفه هماهنگ کردن قوانین کار در کشورهای مختلف و همسویی آن با منافع کمپانی های فراملیتی را بعهده دارد. هرگز و در هیچیک از انتخابات سراسری کارگران جهان، سمت سازمان جهانی کار را بدست نیاورده است.

هر چند سازمان ملل نماینده ملل جهان است، سازمان جهانی کارسازمانی به نمایندگی از طرف کارگران جهان است! اما با کمی تفاوت، اگر سازمان ملل نماینده دول جهان است، سازمان جهانی کار نماینده و کارگزار سرمایه انحصاری و نهادهای آن مانند تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است.

خوب می دانیم هدف استراتژیک سرمایه انحصاری و اینک با فلسفه سیاسی نئولیبرالیزم، (گلوبالیزم سرمایه داری)؛ شکار نیروی کار ارزان، دسترسی آسان به منابع و مواد اولیه تولید و بازار فروش کشورهای سرمایه داری غیره پیشرفته میباشد. امپریالیزم در دوره های قبل برای صدور سرمایه های خود به کشورهای که قبلاً با غارت آنها توانسته بودند مراحل اثبات اولیه برای تبدیل شدن به امپریالیزم را بگذرانند، الزامی بایست که ابتدا سیاست سرمایه و ناچاراً و به طبع آن خود سیستم سرمایه داری را به آن کشورها تحمیل کنند.

این نیاز سرمایه انحصاری برای منطبق کردن سیستم اقتصادی این دسته از کشورها تنها تا درجه ای تکمیل می شد که سیستم تحمیل شده به آنها بتواند متضمن سرمایه انحصاری باشد. درست به همین دلیل سرمایه انحصاری حاضر بود لنگ و لنگد بخش هایی از بورژوازی این کشورها را تحمل کند، اما همچنان از طریق وابسته کردن تکنولوژی و دانش تولید مانع رشد نیرو های مولده در این کشورها شود.

اما در دوره جدید که قرار است سرمایه انحصاری چشم در چشم و رو در رو طبقه کارگر این کشورها همراه با صدور سرمایه خود نیز حضور داشته باشد، ناچاراً میبایست علاوه بر حضور سیاست لیبرالیستی در این کشورها شرایط اقتصادی و درجه ای از رشد نیروهای مولده را پذیرفته و آن را بقول خودشان «نهادینه» کند.

روند لیبرالیزه کردن فرهنگ سرمایه داری مدتها پیش کار خود را آغاز کرده بود. تبلیغات کالاهای که تنها برای فروش آن کالاها نبوده بلکه تبلیغ کالا برای به فرهنگ تبدیل شدن آن و از این طریق تبلیغ سیاست سرمایه انحصاری که بدنبال خود مقدمات حضور کمپانی های فراملیتی را فراهم می کند، از جمله مقدمات این حضور بود. دیگر نوشابه یعنی «کوکاکولا» کفش یعنی «نایکی» لباس یعنی «آدیداس، بنتون» و..... بدون آنکه حتی خود این کالاها به وفور موجود باشد، قبلاً جامعه با حضور آنها کاملاً آشنا شده است. اینک تولید همین کالاها توسط نیروی کار ارزان و بازار فروش آن در محل تولید ملزوماتی را می طلبد که سرمایه جهانی سخت مشغول تدارک این ملزومات است. کشمکش بخش های مختلف بورژوازی ایران چه در دولت و چه خارج از آن بر سر حضور یا عدم حضور کمپانی های فراملیتی تحت عنوان اصلاح طلبی و انحصار طلبی، ولایت فقیه یا دولت لائیک، جمهوری خواهی، آزادیهای مدنی و حق شهروندی و غیره بخشی از علامت تدارکات این حضور است.

تغییراتی در قانون کار از جمله حذف کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار نیز در ادامه همین کشمکش بعنوان باج از طرف بخش لیبرال بورژوازی به بخش سنتی آن داده میشود. زیرا بخش سنتی بورژوازی، هم خوب میداند که با وضعیت موجود قادر به حفظ نظام خویش نخواهد بود؛ و هم خوب می داند قادر به رقابت با کمپانی های فراملیتی در ایران نخواهد بود. لذا از یکسو برای حفظ نظام سرمایه داری، با حضور این کمپانی ها موافقت می کند و از سوی دیگر برای حفظ بقای خود خواهان گذراندن قوانینی در قانون کار و غیره می شود تا بتواند بقای خود را تضمین کند.

بخش لیبرال بورژوازی نیز خوب میداند که با بهره برداری های بورژوازی سنتی از تغییرات و کسب حمایت های قانونی این بخش قادر نخواهد بود که در رقابت با کمپانی های فراملیتی، حیات دانی برای خود تضمین کند. لذا با تغییراتی از این دست، از یکطرف

بخش های مختلف بورژوازی به یکدیگر نزدیکتر می شوند و از طرف دیگر شرایط برای عضویت ایران در تجارت جهانی فراهم میشود.

در کشوری مثل افغانستان که ملا محمد عمر یک چشم امیدی برای سرمایه انحصاری جهت تبدیل او به لیبرالی با پایبند و کت فراک باقی نمی گذارد، تصمیم برای جنگ در نهاد نهادینه شده سازمان ملل گرفته می شود. اگر این جنگ برای بورژوازی عراق درس کافی نشده باشد و همچنان در مقابل سرمایه انحصاری شلنگ تخته کند، دستور حمله به این کشور نیز صادر می شود.

در دوره گلوبالیزم سرمایه داری، موضوع جنگ و صلح موضوع تنها تقسیم جهان نیست، موضوع تقسیم نیروی کار و بازار فروش کالا است که سیاست تقابل ضد جنگ را از نوع تقابل تولستویی آن جدا می کند. اینک تنها وحدت نیروی کار جهانی میتواند با جنگ سرمایه جهانی مقابله کند. اما این وحدت میبایست الزاما در حوزه های جغرافیایی جداگانه، قبلا صورت گیرد.

درست در این مقطع که مسئله متشکل شدن کارگران یک کشور بمنابۀ یک طبقه اهمیت جهانی پیدا کرده است، نفوذ رفرمیزم برای جلوگیری از شعله ور شدن جنگ طبقاتی کارگران، شدیداً وابسته شده است به نیاز های سرمایه انحصاری. سرمایه جهانی برای جلوگیری از مبارزات کارگران در حوزه طبقاتی و به انحراف کشیدن آن در حوزه قضایی، جایزه و قولهای خوش آیندی به رفرمیستها می دهد. پذیرفته شدن به عنوان نمایندگان طبقه کارگر از طرف سازمان جهانی کار باعث شده است که رفرمیستها از سرو کول هم بالا روند.

در روند گلوبالیزاسیون سرمایه داری، نهادهای مختلف سرمایه جهانی وظایف مختلفی به عهده دارند. تجارت جهانی وظیفه هماهنگ کردن کشورهای مختلف با سیاست های سرمایه انحصاری را از طریق عضویت این کشورها در این سازمان بعهده دارد. اگر کشوری قوانین تجارت جهانی را محترم نشمارد عضو این سازمان نخواهد شد و این درست دلیلی خواهد بود که صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به این کشورها وام ندهد، کالاهای صادراتی غیر عضو مشمول قوانین مالیاتی اعضای تجارت جهانی شود که در اینصورت کشور نیازمند به صادرات کالا، خود صاحب اول و آخر آن میشود. جلوگیری از ورود تکنولوژی و ماشین آلات پیشرفته، دانش و فن آوری تولید انبوه و... از آن جمله اند.

از جمله نهادهای سرمایه انحصاری، نهاد سازمان جهانی کار است که وظیفه منطبق کردن شرایط کار در کشورهای پذیرای سرمایه انحصاری با خود انحصارات را بازی می کند.

لذا هر تغییری در قانون کار هر کشوری که نامزد حضور سرمایه انحصاری در خود باشد، تغییری است منطبق با نیازهای سرمایه انحصاری. در ارتباط با مقدماتی که از قبل برای حضور کمپانیهای فراملیتی در ایران تدارک دیده شده بود از جمله می توان به این موارد اشاره کرد. یک سلسله خصوصی سازیهای پیاپی در واحدهای مختلف تولیدی، خصوصی سازیهایی که به دنبال کشمکش جناح های مختلف بورژوازی با دست به دست کردن جای خود را عوض می کرد. بخش خصوصی که لیاقت در مدیریت آن عامل و آگذاری واحدهای تولیدی شده بود، دفعتاً احمق از آب درمی آمد و واحدهای تولیدی را از دولت خریداری کرده و پس از چندی اعلام ورشکستگی می کرد.

افزایش رقابت بر سر خرید واحدهای تولیدی از بخش دولتی توسط بخش خصوصی، افزایش میزان اعلام ورشکستگی را تعیین می کرد. مدیران لایق اینک دعوا بر سر خرید کارخانه ای بادیستگاههای قدیمی و از کار افتاده ای را داشتند که چندی بعد با بی لیاقتی آن را به ورشکستگی!! برسانند. دولت بی لیاقت هم نتوانست درس لیاقت را به شیوه لقمان حکیم از خود بخش خصوصی گرفته و این واحدهای تولیدی را پس گرفته و اینبار با لیاقت آنرا مدیریت کند. نتیجه این میشود که ظرف مدت کوتاهی صدها هزار کارگر بیکار در جامعه مفلوک سرمایه داری، از یکطرف به جستجوی کار و از طرف دیگر بدنبال دریافت دستمزد های قبلی خود بروند. دیگر چه چیز بهتر از اجرای این سناریو می توانست مقدمه ورود سرمایه جهانی شود.

شرایط بوجود آمده شرایطی شد تا کارگری که از مرگش هراسی نداشت، از خم شدن کمرش زیر کار نمی هراسید، اینک از بیکاری هراس داشت که بدنبال آن نتواند کمر راست کند.

درست در این مقطع است که سازمان جهانی کار نقش قاضی را بعهده گرفته و رفرمیستها برای تثبیت این نقش، از طبقه کارگر طبقه ای تو سری خور و گرسنه، ناتوان و شکست خورده، محتاج و دردمند ساخته، مطالباتی را تنظیم می کنند تا بر روی میز سازمان جهانی کار گذارند که حتی همان مطالبات جداگانه میتواند انگیزه های متشکل شدن طبقه کارگر، شعله ور کردن آتش مبارزه طبقاتی این طبقه و در نهایت طبقه را در مقابل طبقه قرار دهد. این شگرد رفرمیزم است که مبارزه طبقاتی را به حوزه های قضایی بکشاند. اینک این سازمان جهانی کار است که به تقاضای رفرمیزم می بایست وارد میدان شود تا کارگران رامتشکل کند.

مدت زیادی از شورش کارگران آرژانتین نمی گذرد که نقش نهادهای سرمایه داری از جمله آی-ال-اورا افشا کرد. پاسخ سازمان جهانی کار به کارگران گرسنه و بدون حقوق آرژانتین چه بود که آنها را قانع نمی کرد و موجب شورش آنها شد. کارگران آرژانتین در یک حرکت خیره کننده کاسه های خالی خود را اتفاقاً به همین نهاد ها جهت افشای آن نشان می دادند و همزمان سهم خود را از فروشگاهها بیرون می کشیدند.

۱۰۰ میلیارد دلار بدهی از طریق تنظیم قوانین از طرف نهادهای سرمایه انحصاری از جمله آی-ال-او برگردده طبقه کارگر آرژانتین گذاشته شد. چگونه است که اینک همین نهاد نقش داور و حلال مشکلات طبقه کارگر ایران را بازی می کند. کدامیک از تشکل های کارگری در ایران این نهاد را بعنوان نماینده جهانی خود انتخاب کرده که اینک این نمایندگان تازه پیشنهاد نوع تشکل را به طبقه کارگر ایران می دهد.

آیا شرایطی که ضرورت یک انقلاب اجتماعی را برای طبقه کارگر تعیین می کند شرایطی است که باید تا درجه خفیف کننده همان طبقه، در مقابل نهادهای امپریالیستی تنزل کند.

اگر زمینه عینی سازمانیابی مستقل طبقه کارگر امروز بیش از هر زمان دیگری آماده است، رفرمیزم نیز بیش از هر زمان دیگر آماده نفوذ شگردهای خود در جنبش طبقه کارگر میشود.

برای طبقه کارگر ، حتی اعلام وضعیت اسفناک کنونی اش، در جهت افشای عوامل ایجاد کننده آن از جمله آی-ال-او است. فراهخوان بین المللی با امضای افرادی تکمیل می شود که در یکجا قبلاً نا فرمانی مدنی را توصیه می کنند و در اینجا فرمانبردار شده فرمانبری مدنی می کنند.

پر واضح است که طبقه کارگر برای پیشبرد اهدافش از هر وسیله ای در جهت همان اهداف استفاده می کند. پیشرو کارگری اگر لازم بداند که حتی در حوزه قضایی وارد شده و نامه نگاری کند. نامه های خود را برای افشای نهادهای سرمایه داری به دست تشکل های کارگری جهان می رساند.

سازمان جهانی کار یا باید قبلاً شاهد تمام فشارهایی که به طبقه کارگر ایران اعمال می شود بوده باشد که در این صورت چگونه توانسته است نماینده کارگران جهان باشد و اینگونه سکوت کند. و یا در جریان وضعیت طبقه کارگر ایران نباشد (از نظر رفرمیست ها لابد در جریان نیست و جمع آوری طومار لابد قرار است نهاد خفته قضاوت را بیدار کند) که در اینصورت چگونه خود را بعنوان مرجع رسیدگی به مشکلات کارگری معرفی می کند.

از اینروست که پیشروی کارگری به ریش رفرمیستهایی می خندد که سالها در خارج از ایران می توانسته اند وسیع ترین ارتباطات را بین طبقه کارگر جهانی با طبقه کارگر ایران ایجاد کنند. وضعیت اسفناک طبقه کارگر ایران را ، اتفاقاً برای افشای نهادهایی مانند آی-ال-او، برای تشکل های کارگری در سایر کشورهای جهان ترسیم کنند.

مطالبات کارگران ایران چیزی نیست که به پای پرنده ها بسته شود و به آسمان رها شود. و مشابه زمینی آن ، چیزی نیست که برای جمع آوری امضاء و تهیه طومار که روی میز سازمان جهانی کار قرارگیرد تا آنها به آن رسیدگی کنند. بلکه بر عکس، مطالباتی است که اتفاقاً موجب نزدیکی کارگران شده و ضرورت عینی تشکل های کارگری می شود. تشکل هایی که نه بعنوان امتیاز از آی-ال-او مطالبه شود، بلکه تشکلی کارگری و فراگیر برای مبارزه در جهت لغو امتیازات طبقاتی. جایگاه خود را در این مبارزه پیدا کنیم.

کیوان کاویانی
۵ اسفند ۱۳۸۱

<http://www.kargar.org>